

بسمه تعالی

عنوان

نام های جغرافیایی آذربایجان در منابع کهن تاریخی

نویسندگان:

۱- عطاءالله عبدی^۱، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، E-mail.Ataabdic@yahoo.com

۲- مریم لطفی، کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی

چکیده

نامهای جغرافیایی معرف فرهنگ و علایق جوامع انسانی و بازتابی از آنها در محیط های جغرافیای هستند، در حقیقت جوامع انسانی در انتخاب نام برای پدیده های انسانساخت و طبیعت ساخت از گنجینه های فرهنگی، تاریخی و باورهای خود وام می گیرند. به ندرت مشاهده می شود که نام مکانی در پشت سرخود فاقد فلسفه وجودی باشد. نامهای جغرافیایی در معرفی فرهنگ، رویدادها و باورهای مردم ساکن در واحدهای مختلف مؤثر هستند که می توان از آنها به عنوان یکی از کلیدهای کشف واقعیت های تاریخی مناطق مختلف سود جست. منطقه آذربایجان هم به عنوان یک منطقه جغرافیایی از این امر مستثنا نمی باشد. این منطقه از نظر مباحث تاریخی برای روشن کردن واقعیتهای فرهنگی و جغرافیایی خود درگیر برخی نظریات متعارض است، نامهای جغرافیای برای رفع برخی ابهامات و کشف واقعیات تاریخی منطقه می تواند کارایی بسزایی داشته باشد.

تحقیق حاضر در پی پاسخ گویی به این پرسش است که نامهای جغرافیایی منطقه آذربایجان در متون تاریخی دوره صفویه دارای چه ویژگی است و دچار چه تحولاتی گشته است؟ روش تحقیق در این پژوهش از نوع کتابخانه ای و اسنادی می باشد. نتایج حاصل از بررسی برخی متون دست اول و نسخ خطی بیانگر آن است که نامهای جغرافیایی منطقه آذربایجان (به ویژه نیمه شرقی آن) از نظر زبانی عمدتاً واژه هایی غیر ترکی بوده است که روند تغییر برخی از آنها به اسامی ترکی حاکی از تبعیت این روند از تحولات اجتماعی و سیاسی در دوره مورد نظر می باشد.

واژگان کلیدی: نامهای جغرافیایی، آذربایجان، دوره صفوی.

^۱ - بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس، مدرس ۳، واحد ۳۱۰، تلفن ۵۲۸۰۰۵۲۷۱۰۰۹۱۲۷۱۰۰

مقدمه

نامهای جغرافیایی به عنوان عناصری نسبتاً پایدار در معرفی سرگذشت و تاریخ سرزمینها به حساب می آیند. از آنجا معمولاً در پس هر نام جغرافیایی، گنجینه ای از پیشینه تاریخی و فرهنگی ساکنان آن محدوده جغرافیایی وجود دارد، می توان گفت این نام ها به عنوان آثار باستانی معنوی در رمزگشایی و بازساخت هویت اصیل هر مکانی مورد استفاده قرار می گیرند. در صورتی که این ابزار ارزشمند، عاری از انگیزه های شخصی و سیاسی باشد، می تواند به عنوان یکی از بهترین راههای کشف حقایق علمی در حیطه تاریخ، جغرافیا و فرهنگ، مورد استفاده قرار گیرد.

نامهای جغرافیایی علی رغم پایداری نسبی تحت شرایطی دچار تغییر و تحول می گردند، برخی از تغییرات مربوط به آوانگاری اسامی می باشد، مانند کلمات آذربایجان و اردبیل که تغییر یافته ای از آتروپاتگان و آرتاویل هستند. نوع دیگر از تغییر تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی هر منطقه صورت می گیرد. بدین ترتیب که گاه در پی تحولات جمعیتی یا سیاسی برخی تغییر نامها به صورت طبیعی و تدریجی صورت می گیرد. با اینکه این دسته از تغییرات گاه آوایی و بیشتر مفهومی و زبانی می باشد، اما معمولاً عاری از اجباری خاص بوده و یا دست کم چنین به نظر می رسد مانند بسیاری از نامهای جغرافیایی آذربایجان که در این مقاله بدانها پرداخته خواهد شد. دسته سوم از تغییر نامها، حالت دستوری داشته و از بالا به پایین و تحت تأثیر ایدئولوژی های سیاسی حاکم و معمولاً به دور از منطق علمی و بدون توجه به پیشینه تاریخی القاء شده و در پی اهداف خاص خود می باشند. مانند تغییر نامهایی دوره رضا شاه از قبیل تغییر نام اورمیه به رضائیه، تیکان تپه به تکاب، دزدآب به زاهدان، استرآباد به گرگان و... که به خاطر سیاستهای همانند سازی صورت گرفته بود.

در مقاله حاضر سعی می شود مسئله تغییر نام های جغرافیایی از نوع دسته دوم در منطقه آذربایجان و به ویژه شرق این منطقه مورد ارزیابی قرار گیرد. این امر از آن حیث اهمیت دارد که تاریخ واقعی آذربایجان تحت تأثیر رویدادهای تاریخی و اغراض شخصی و سیاسی تا حدودی مبهم مانده و لازم است با رعایت اصول انصاف و منطق علمی و با تکیه بر منابع معتبر دست اول که عاری از گرایشهای خاص هستند، مورد بررسی قرار گیرد. مطالبی که در زیر می آید بخش از یک کار پژوهشی گسترده (منتشر نشده) در مورد جغرافیایی تاریخی منطقه آذربایجان می باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع کتابخانه و تحلیلی می باشد که در آن با استفاده از برخی منابع دست اول دوره صفوی نامهای جغرافیای استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. در زیر برخی از منابع اصلی مورد استفاده در این پژوهش معرفی می گردد.

صفوه الصفا: نام اصلی کتاب «أسس المواهب السنيه فی مناقب الصفویه» می باشد که در زمان صدرالدین به سال ۷۵۹ه.ق توسط یکی از مریدان شیخ صدرالدین مشهور به ابن بزاز، در قالب حکایت‌هایی متعدد پیرامون زوایای مختلف شخصیت شیخ صفی به نگارش در آمده است. نویسنده در حین باز گو کردن حکایت‌ها به اسامی جغرافیایی آذربایجان مانند نام روستاها، کوه و رود و غیره اشاره دارد.

صریح الملک^۱: عنوان دو مجموعه از رونوشت‌های اسناد، وقفنامه ها و طومارهای مربوط به دارایی‌های غیر منقول بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی هست که مجموعه اول توسط زین العابدین عبدی بیگ به دستور شاه تهماسب یکم و دومی به وسیله محمد طاهر اصفهانی در زمان شاه عباس یکم به صورت کتاب تدوین گردیده اند. این مجموعه ها به صورت نسخ خطی و در تعداد محدود در برخی از مراکز مانند کتابخانه ملی، کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس نگهداری می شوند. این دو مجموعه ضمن معرفی املاک بقعه، به اسامی بسیاری از شهرها، روستاها، رودها، کوهها اشاره داشته، گاه به برخی از تغییرات که نامهای جغرافیایی در طول زمان پیدا کرده اند، به اقتضای بحث پرداخته است.^۲

نامهای جغرافیایی، کدهایی برای رمزگشایی تاریخ نواحی

گروههای انسانی پس از استقرار در یک ناحیه جغرافیایی کنشها و واکنشهایی را با آن آغاز می کنند. جدا از میزان تأثیر و تأثیری که محیط در ابعاد مختلف بر گروههای انسانی تحمیل می کند، گروههای انسانی با توجه به فرهنگ ویژه خود با محیط وارد تعامل می شوند. این امر می تواند شامل ابعاد مختلفی در شکل دهی به عناصر محیط جغرافیایی باشد. از آنجایی که در طول تاریخ مکانهای جغرافیایی شاهد استقرار و از بین رفتن گروههایی با فرهنگ های مختلف هستند. مطالعه نواحی فرهنگی بدون توجه به تاریخ نواحی فرهنگی امری ناقص خواهد بود. به عبارت دیگر توزیع فضایی اشکال فرهنگی نتیجه تغییرات در طی زمان است. چشم اندازهای فرهنگی اغلب محصول اعمال انسانها در طی قرون متمادی است. چنانچه جغرافیدانان فرهنگی در پی فهم و تبیین تشابهات و تغییرات فضایی فرهنگ باشند برای دریافت جوابهای خود ملزم به کار برد نگرش تاریخی و کنکاش از گذشته هستند. این واقعیت در قالب چشم اندازهای فرهنگی نمود می یابد. چشم اندازهای فرهنگی بیانگر این نکته است که آنچه در حال حاضر از چشم انداز رویت می شود، حکایت از نیروها و شرایط علی دارد که اکنون وجود ندارند. مفهوم چشم انداز فرهنگی به عنوان ابزار ارزشمندی جهت بررسی توالی سکونت گروههای گوناگون در یک سکونتگاه تلقی می شود. زیرا هر یک از گروهها، معمولاً "شواهد قابل رویتی از حضور خود را در چشم انداز به جای می

۱- معمولاً در گذشته این گونه مجموعه ها توسط مالکان بزرگ تنظیم می گردید تا اسناد املاکشان به صورتی منظم در اختیارشان باشد.
۲- در جداول مربوط به یافته ها سه منبع اصلی ذکر شده ذیل شماره های ۱، ۲ و ۳ آمده، یعنی شماره های ۱ بیانگر کتاب صفوه الصفا، ۲ صریح الملک تألیف عبدی بیگ و ۳ صریح الملک تألیف محمد طاهر می باشد. صریح الملک اول در دو نسخه کتابخانه ملی و دانشگاه تهران بررسی شده اما جز در یک مورد از نامها تنها به نسخه کتابخانه ملی ارجاع داده شده است، در ضمن شماره صفحات ذکر شده، همان شماره هایی هست که بعدها توسط استفاده کنندگان بر کناره اوراق کتاب نقش بسته است، در صریح الملک دوم چون شماره گذاریهای دستی بسیار مغشوش بود به شماره ورق ارجاع داده شده است.

گذارند(جردن و راونتزی، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۲). بنابراین در صورتیکه در پی مطالعه نواحی فرهنگی خاص باشیم بررسی جغرافیای تاریخی اهمیت فراوان می یابد. جغرافیای تاریخی قادر به بیان وضعیت فضایی خاصی در گذشته است(شبلینگ، ۱۳۷۷: ۱۶۳). به عبارت دیگر جغرافیای تاریخی همان جغرافیای انسانی گذشته است (بیک محمدی، ۱۳۷۷: ۱۵) و جغرافیای انسانی مطالعه روابط گروه انسانها با محیط جغرافیایی آنهاست(فرید، ۱۳۷۴: ۶۷). آلبو مانژن معتقد است برای اینکه جغرافیای انسانی قابل فهم باشد، نمی تواند خود را به وضع حاضر محدود سازد و از بررسی گذشته غافل بماند، بلکه باید به مدد «تاریخ» تکامل پدیده ها را در زمان تعقیب کرده و به تبیین وضع حاضر پردازد(همان: ۷).

با توجه به مطالب ذکر شده اهمیت نامهای کهن جغرافیایی در تبیین جغرافیای نواحی فرهنگی روشن می شود. زیرا زبان جزء جدایی ناپذیر فرهنگ گروههای انسانی است و بکارگیری نامهایی برای عوارض جغرافیایی نمی تواند خارج از زبان گروه انسانی باشد. به ویژه که در گذشته این امر نمی توانست متأثر از سیاستهای رسمی پیاده شده از سوی دولت مدرن و پدیده ارتباطات به مفهوم عصر حاضر باشد، بنابراین نامهای کهن جغرافیایی می تواند به عنوان ابزاری مفید در ریشه یابی و تبیین مسائل و وضعیت نواحی فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

تحولات سیاسی اجتماعی منطقه آذربایجان پس از به قدرت رسیدن صفویان

ایران از دیرباز به لحاظ موقعیت جغرافیایی، در مسیر ارتباط تمدنها و اقوام مختلف قرار داشته است. فراوانی بنیادهای زیستی در این کشور مانند آب، خاک، مرتع، اقلیم و فضا، به شکل گیری امکانات حیات، شبکه های ارتباطی و سکونتگاهها کمک کرده و انگیزه های نیرومندی برای عبور اقوام مجاور-چه با هدف گذر و چه به منظور کشورگشایی- بوجود آورده است(حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۹). یکی از مهمترین گروههای مهاجر که به ایران آمده و به ویژه رو به سوی آذربایجان نهادند، ترکان بودند. نخستین گروه از آنها غزها شامل دوهزار چادر در سال ۴۲۰ ق وارد ایران شدند، که توسط وهسودان بن مملان که می خواست از توان رزمی آنها در برابر دشمنانش بهره گیرد، پذیرفته گردیدند(باسورث، ۱۳۷۹: ۳۹). با این حال غزان در آذربایجان دوام نیاورده، از آن بیرون رفتند. پس از آن دسته های ترکمن مستقلى همواره از آذربایجان گذشته به ارمنستان و قفقاز می رفتند(همان: ۴۰). در نیمه های قرن پنجم هجری سلجوقیان به سرکردگی طغرل بیک وارد آذربایجان و آران شدند(اتابکی، ۱۳۷۶: ۲۲). حدود دو قرن بعد حمدالله مستوفی در نزهة القلوب درباره خوی که توسط آلب ارسلان به عنوان پایگاه نظامی انتخاب شده بود، بیان می کند: «مردمش سفید چهره و ختایی نژاد و خوب صورتند و بدین سبب خوی را ترکستان ایران خوانند» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۵).

در سال ۶۱۸ه.ق آذربایجان به وسیله مغولان به تصرف در آمده، به زودی مراغه عنوان پایتختی ایلخانان را به دست آورد. با مرگ هلاکو پسرش آباقا تبریز را به عنوان سریر پادشاهی خود انتخاب کرد. در دوره

تیموریان نیز آذربایجان بیشتر در دست حکومت‌های ترکمن قراقویونلو و آق قویونلو بود. هر چند در این دوران مهاجرت اقوام ترک به آذربایجان صورت می‌گرفته و تعدادشان در حال افزایش بوده، اما بررسی‌های منابع نشان می‌دهد که آنها تا دوره صفوی و حتی سالها بعد از آن به عنوان جمعیت غالب منطقه به حساب نمی‌آمدند. با بررسی وقفیات بقعه شیخ صفی در مجموعه صریح الملک می‌توان به روند رو به رشد سهم ترکان در میان پیروان و مریدان طریقت صفوی پی برد. از بررسی در صریح الملک به این نتیجه می‌رسیم که در دوران ابتدائی فعالیت طریقت صفوی واقفان غیر بومی ترکمن یا مغول و تقریباً همه از امیران و پادشاهان هستند، مانند ابوسعید ایلخانی، امیر توغچی طیفو، امیر اس بوغا بن بار بوغا، امیر تورین بن جلغر ترکستانی، امیر داشت‌مور بن حریکتمورو... در حالیکه پس از گذشت نزدیک به دو قرن یعنی در قرن اول قدرت یابی حکومت صفوی وقفیات ترکان قزلباش که عمدتاً از آناتولی وارد ایران شده‌اند، به طور چشمگیر و کاملاً محسوس افزایش یافته است (لطفی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

مهاجرت اصلی ترکان قزلباش در زمان شاه اسماعیل یکم صورت گرفت و بطور چشم‌گیری قدرت نظامی صفویان را متأثر نمود. اسکندریه منشی در عالم آرای عباسی از طوایف مختلف ترک مانند شاملو، استاجلو، افشار، ترکمان، تکه‌لو، روملو، ذوالقدر، قراداغلو، چامشلو، چپوشلو، آجرلو، بیات، عربگیرلو، جاگیرلو، خدابنده‌لو، سعدلو و... که در آغاز قدرت‌گیری شاه اسماعیل وارد ایران شده‌اند، صحبت کرده است (منشی، ج ۱: ۲۲۷-۲۲۲ و....). با تأسیس حکومت صفویان به کمک نیروهای نظامی قزلباش، آنها به پاداش کمک‌های ارزنده خود املاک و دارای‌های زیادی به ویژه در منطقه آذربایجان کسب کرده و در آن منطقه ساکن شدند. این روند فزاینده مهاجرت و اسکان قبایل ترک به منطقه آذربایجان باعث تحولات سیاسی فرهنگی و اجتماعی فراوانی در این منطقه گشت که یکی از نمودهای بارز آن تغییر زبان است.

یافته‌ها

در بررسی‌های صورت گرفته برای شناسایی نام‌های جغرافیایی کهن منطقه آذربایجان از برخی منابع تاریخی که به آنها اشاره شد، نام‌های تاریخی فراوانی در موارد مختلف مشاهده شده است که از نظر زبانی متفاوت از زبان ترکی و متعلق به زبان کهن و بومی آذربایجان می‌باشد که در منابع گوناگون به نام آذری، تاتی و فهلوی از آن یاد شده است. در زیر به برخی از این اسامی جغرافیایی که عمدتاً متعلق به شرق منطقه آذربایجان می‌باشند، به تفکیک شهرها اشاره می‌گردد.

جدول شماره ۱: اسامی روستاهای اردبیل

نام روستا	۱	۲	۳	نام روستا	۲	۳
اسفرنجان	۷۳	۱۰۴		کرجان - کرجان ایزدی	۱۰۴	
سلوت	۲۳۲			سیل‌کو	۱۰۷	
کاریز	۳۰۹			رودجان	۱۲۰	
کاری، کارهم	۳۰۶			زره‌ناس	۱۲۲	
اندراب	۳۷۶			داراباد	۱۱۹	

برود	۳۶۴				صومعه مظفری	۱۲۳	
پرور معروف به حسن بارو		۹۱، ۱۱۱ و...			کاخ جران- کاجران	۱۴۰	
پنجمرج، بیجمرج	۳۱۴				انزاب	۱۴۲	
دیه خشکرو	۳۹۹		۱۵۳		شرفاباد	۱۴۲	
نوشنیک	۴۲۸				کشکان	۱۴۹	
سها	۶۲۰				کارییم	۱۵۰	
کنجوس	۶۲۴				گلمقان	۱۵۴	
شهر آوری	۳۹۸				کوران	۱۵۱	
ولکجان	۳۷۸				مندنشین مشهور به یوسف انواری	۱۵۴	
گرگان	۳۹۲				کرجان	۱۵۷	
الغر، الوجه	۳۹۱				سروشنبند	۱۵۷	
خوره شیران در قدیم چهار بود بوده	۱۱۱۰	۱۱۸	۸۴		درکه سران	۱۶۳	
شیران		۳۲۳	۷۵		ورارجرد	۱۶۳	
نودیه- معروف به نوجده نیز بوده		۱۶۱، ۹۱			آتشکده	۱۶۴	
سها		۹۱			آتشگاه	۸۸	
سرکجان معروف به دیم		۹۱			کافردق	۱۶۴	
مرنی		۳۲۳			ساران کنار	۱۶۵	
محمود آباد		۳۲۳			هومن	۱۶۵	
نوبرین		۱۴۰، ۳۲۳			سرخه دیه	۱۶۵	
ال معروف به اولجوقاز		۷۱			آوژر مشهور به افجور	۱۶۳	
کلخوران		۹۸			مهماندوست	۱۰۳	۱۱۴
کلخوران ویند		۱۴۸			بنان	۱۰۴	
رود جان		۱۲۰			باروق، در اسناد قدیمتر بارد آمده	۹۹	
چنزاب		۹۷			دیکاه	۹۹	
ژرقین، ججین مشهور به داشکسن		۱۰۶			جرباد مشهور به چلبی بیگ		۸۶
پرنیک		۱۰۶	۷۵		ترکه ده		۱۱۷
درکه سران		۱۰۶			زرد		۹۰
نودیه علیا و نودیه سفلی		۱۰۶			کندوان	۱۰۷	
سردالو مشهور به بابا نظر			۹۴		صدیقه - صدیقه دیه	۱۰۶	
داراباد			۸۸		رویندزق		۱۲۱
ورارجرد			۱۶۳		شماسبی		۳۶۷
دارمفلس مشهور به قلعه جوق			۶۹		نیار		۶۱
(صریح الملک نسخه دانشگاه تهران)					موجان آبه		۳۴۷

جدول شماره ۲: برخی اسامی جغرافیایی در دیگر مناطق آذربایجان

نام روستا	مکان	۱	۲	۳	نام روستا	مکان	۱	۲
فرگوش	سراب	۱۵۲			روستای سییده سر			۲۴۲
کیلکاباد	"	۶۲۳			کوره بن			۲۴۰
شهران سویی	"	۶۳۸			خواجه ده			۲۵۹
اندراب	"			۱۳۶	درمان			۲۶۰
ذیره کاه	"		۲۲۲		دودران			۲۶۱
جبرچین	"		۲۲۵		دریاب			۲۶۱
سری جان	"		۲۲۵		نوبرین			۲۶۱

۲۶۱		"	چشمه سبیل	۲۲۲		"	تلخه خانی
۲۶۲		"	میان رودان	۲۳۶		"	سهباز
۲۶۵		"	شاهمیر	۲۳۷		"	دوراب
۲۷۴		گرم رود - هشترو	قوشه گنبد - خوشه گنبد	۳۵۳		"	شیدچین
۲۷۶		گرم رود	کورین	۲۱۳		"	خسروان
۲۷۶		"	کیودین	۳۲۸		مراغه	کردشت
۲۷۷		"	ماهپاد		۲۲۵	مغان	دزلق
۳۵۳		"	اشکستان مشهور به قوش اغلی		۲۴۲	"	چوماق آباد، چوبان آباد
۳۵۴		"	بوته سر	۲۸۸		"	لوران
۳۵۴		"	سراباد	۲۸۸		"	ارکوان
۳۵۵		"	مشهد مشهور به قیاق	۲۹۰		"	سلطان آباد
۳۵۶		"	نودرق	۳۲۹		"	کاسه کول
	۶۵۸	"	داوند	۲۰۷		خلخال	شاهیان - شاهیل
	۶۳۰	"	تیرآباد	۲۰۸		"	کزح
۹۱		"	سیسان	۲۰۵		"	اصفهاباد
	۸۱۹	"	کاوینه رود	۲۰۸		"	هیشی
۲۷۶		"	روستای خوشجه یا قوشجه	۲۰۸		"	کهزاد
	۳۰۹	گرمی	برزند	۲۰۶		"	پرستانق
۱۸۴		تومان مشکین	انار	۲۰۹		"	خانقاه
۱۸۸		"	جوکش	۲۰۹		"	کندره
۱۸۸		"	خیابو	۲۱۰		"	خرابه کاه
۱۸۸		"	اورود	۲۱۰		"	گنج گاه
۱۸۵		"	روکران	۲۱۰		"	سنجبد
۱۸۸		"	زرن زمین	۲۱۱		"	کورانسرا
۱۰۶		"	ترزنبق	۲۱۲		سنجبد	ورده ده
۹۷		هشترو	شله درود		۳۸۲	خلخال	شویر
۳۲۹		"	دیمناب		۶۷۶	"	کدیو
۲۹۳		"	زرنین علیا	۳۹۱		"	فارس اباد، مارس آباد
	۷۱۴	نمین	بریس	۲۰۶		"	بته نوبه سر
	۳۷۷	کاغذکنان هروآباد	زرنجین	۱۶۹		ارونق تبریز	سیس
	۶۳۹	توسواران(تبرسران)	دیه مشکین	۱۷۵		"	شبستر
۳۷۰		دیزمار	کرین کیود		۲۶۱	تبریز	سیس
۳۷۰		"	چپله حیر	۱۲۸	۱۷۷	"	کلکلان مشهور خضرلو و
۳۶۹		"	اشتی بن				خضر بکاولو
	۴۰۵	به طرف جغاتو	کندلان		۱۲۸۹	بستان اباد	کندرو
۳۴۹			هدان رود	۲۴۷		از کندوان	برهق
۳۵۲			چندراب	۲۲۲			زرنند
۱۹۴			هروی	۲۴۷			برحق مشهور به برنجه نان
۱۹۴			موران	۱۹۳			کولیار
۱۹۲			قصبه	۱۹۳			کرکشاو

جدول شماره ۳: اسامی مختلف جغرافیایی از قبیل دره ها، اراضی، رودها و کوهها

نام	مکان	۱	۲	نام	مکان	۲
راشه رود	اردبیل		۱۲۲	کرایه رود	سراب	۲۲۲، ۲۲۶
سیاهرود	اردبیل - گیلان	۸۲۱، ۱۰۱۵		ماهیه رود	"	۲۳۸

۲۳۲	"، سنزق	هزارآب		۸۶۸	اردبیل	نیهر، نیهرود
۲۳۱-۲۳۲	"	شاه جوی علیا و شاه جوی سفلی	۱۴۱		"	انگبین رود
۲۱۴	سرآب	سرآبرود		۲۹۶	گرمرو	سرخه رود
۱۷۷	روستای کلکلان	بنه جوی مشهور به قزل ارخ	۳۵۳		"	شاهرود
۳۲۲	اردبیل	مزرعه تلخاب	۳۵۴		"	کرجی بند
۳۲۳	"	مزرعه بریس		۶۲۳	بین شماخی و ازان	دره به نام لنگه بز
۳۲۳	"	مزرعه میان رودان		۸۲۱	گیلان- اردبیل	پرده لیز
۳۴۷، ۱۶۴		موضع یا مزرعه هفت چشمه	۲۳۲		سرآب، اطراف سنزق	دره چشمه سران
۳۴۷		زرین جان	۲۴۶		گرمرو	سیاه کمر
۱۱۰، ۱۵۷	اردبیل	میان زریان- میان زرغان		۲۸۶	خلخال	سیاه کمر
۱۲۲	"	وادی مرده کش	۲۹۲		هشترود	دره خشکه درق
۱۳۹	"	دره گل بوته	۳۴۷		خان شراوری اردبیل	برزه ناو
۱۶۵	"	مزرعه باروندشت	۱۷۹		تبریز- ارونق	اراضی لالیان مشهور به گل تبه
۱۶۵	"	مزرعه سرایل	۱۹۱			سنگ زرد پله
۱۱۹	اردبیل	ناحیه کارز	۱۹۱			سنگ سیاه ارمود
۳۵۰	"	وادی تیز رود	۳۲۵		سرآب	مزرعه سرخه زیر
۱۶۴	"	مزرعه باریکاب	۲۸۹		مغان	ناحیه سفید دشت علیا
۲۱۹	حوالی سرآب	ماره کوه	۲۱۸	۸۱۹، ۳۵۴	سرآب	کوه بز کش
۲۷۸	تبریز	بلیانکوه، ولیان کوه	۲۳۳		اطراف سنزق	کوه تلخاب، بلخاب
	خلخال	مزرعه آسماندشت		۳۱۵		شار کوه

جدول شماره ۴: اسامی که به صراحت در صریح الملک به تغییر نام آنها اشاره شده است

نام روستا	مکان	۲	۳
سلدوز که ارمن نام داشته و بعد به سلدوز مشهور شده	تومان مشکین	۱۹۰	
روستای اورناو مشهور به قشلاق روملو	چخور سعد	۲۰۲	
روستای خوره شیران در قدیم چهار بود نام داشته	اطراف اردبیل	۱۱۸	
روستای مند نششین مشهور به یوسف انواری	"	۱۵۳	
روستای پرور یا حسن بارو از خان اندارب که در قدیم پرور نام داشته	"	۱۱۱	
اشکستان مشهور به قوش اغلی	گرمرو	۳۵۳	
روستای مشهد مشهور به قیاق	"		
کلکلان مشهور به خضرلو و خضر بکاولو	تبریز	۱۷۷	۱۲۸
روستای سبیده سر مشهور به آقنوره یا آختوره	گرمرو- هشترود	۲۴۲	
رود بنه جوی در زمان مولف به قزل ارخ مشهور است	کلکلان، اطراف تبریز	۱۷۷	
دارمفلس مشهور به قلعه جوق (صریح الملک نسخه دانشگاه تهران)			ورق ۶۹
سردالو مشهور به بابا نظر	اردبیل	۹۴	
جرا باد مشهور به چلبی بیگ	"		
ال معروف به اولجوقاز	"	۷۱	
ججین مشهور به داش کسن به گفته مولف در اکثر قبالات قدیمی ژارقین و رزقین آمده	"	۱۰۶	
سرکجان معروف به دیم	"	۹۱	
آوژر مشهور به افجور	"	۱۶۳	

جدول شماره ۵: برخی اسامی ترکی مشاهده شده در منابع کهن تاریخی دوره صفوی

نام روستا	مکان	۲	۳	نام روستا	مکان	۲	۳
دیر نیلی	گرمرو	۲۶۳	مزرعه قران بلاغی	اردبیل	۱۳۳		
قیجق	"	۲۸۲	آلاروق	"	۷۹		
باسلقده	"	۳۲۶	خواجهیم	"	۱۱۷		
قوشجه یا خوشجه	"	۲۷۶	خبرق	"	۱۰۹		
پرسخلو یا پارخلو	"	۲۴۶	ینکجه - اینکجه مشهور به آفجای	"	۳۷۰	۱۱۹	
مزرعه حراملو	"	۳۲۷	ذرن قران	"		۱۲۲	
مزرعه اینکلو	"	۳۲۷	اروالو	"		۷۱	
اونلیق	"	۳۲۶	تاج بیوک	"		۱۱۵	
ارجق	تومان مشکین	۱۹۳	قوشجی	"		۱۰۳	
سلدوز	"	۱۹۰	عموقین	"	۱۲۶		
بلاندسو	"	۳۷۱	مزرعه اوغشه	از خان شهرآوری اردبیل	۳۴۷		
آق درق	"	۱۹۱	قراکش	الپاوت		۱۵۵	
قراتوره		۳۵۵	دریق	سرآب		۱۳۵	
مزرعه یکتلو داش	خلخال	۲۰۷	اقمیون	"	۲۱۳	۱۳۲	
قرابلاغ	سنجد - خلخال	۹۶	مزرعه کل بلاغ	هشترود	۳۶۶		
قرل اوزن		۳۵۴	مزرعه کل بلاغ	سراجوق	۳۶۶		
تیراقلو		۷۹	جوره و ما جورق		۹۲		
آق تبرق		۹۲					

تجزیه، تحلیل و نتیجه گیری

اسامی موجود در متون بررسی شده نشان دهنده آن است که این نامها از نظر مفهوم و ساختار عمدتاً عناصری غیر ترکی هستند، این روند همچنان که در جداول شماره ۳-۱ مشاهده می شود هم در مورد اسامی آبادیها و هم در مورد عوارض طبیعی مانند رودخانه ها، کوهها و ... صدق می کند. نامهای غیر ترکی که از نظر شمار بسیار بیشتر از نامهای ترکی (جدول شماره ۵) در مقطع زمانی مورد نظر هست، بیانگر این واقعیت می باشد که باید زبانی متفاوت از زبان ترکی در این منطقه وجود داشته باشد، تا نمود آن را در اسامی جغرافیایی منطقه مشاهده نماییم. زیرا این امر به دور از منطق علمی است که اسامی به کاررفته برای شناسایی عناصر جغرافیایی به زبانی متفاوت از زبان و فرهنگ رایج منطقه باشد، به طوری که در این پژوهش به راحتی می توان ارتباط میان زبان رایج در نواحی جغرافیایی و اسامی جغرافیایی آن را در روند تغییر نامهای اولیه این منطقه به ترکی (جدول شماره ۴) مشاهده کرد. به عبارت دیگر در پی تحولات اجتماعی و سیاسی عصر صفوی و با روند فزاینده مهاجرت طوایف ترک به منطقه آذربایجان و در نتیجه غلبه زبان ترکی بر زبان بومی منطقه آذربایجان، تغییراتی در برخی اسامی جغرافیایی صورت گرفته و به نامهایی ترکی تبدیل گردیده اند. با در نظر گرفتن این اصل که نامهای جغرافیایی هر منطقه جغرافیایی با زبان و فرهنگ گروههای انسانی ساکن در آن ارتباطی تنگاتنگ دارند و با توجه به غیر ترکی بودن نامهای

جغرافیایی بسیاری از نامهای جغرافیایی منطقه آذربایجان در مقطع تاریخی مورد نظر فرضیه این پژوهش یعنی - وجود اسامی جغرافیایی غیر ترکی قبل از مهاجرت ترکان به منطقه آذربایجان بیانگر وجود زبانی به جز زبان ترکی در منطقه آذربایجان می باشد - به اثبات می رسد. از این روست که نامهای جغرافیایی به عنوان آینه تمام نمای زبان و فرهنگ مناطق جغرافیایی می توانند نقش برجسته ای در تحلیل مسائل نواحی فرهنگی و روشن کردن تاریخ واقعی آنها ایفا نمایند و منطقه مورد مطالعه در پژوهش مورد نظر نیز نمی تواند از این قاعده مستثنا باشد.

می توان گفت نامهای کهن منطقه آذربایجان منشأ گرفته از زبانی غیر از زبان رایج کنونی در منطقه بوده است که تحت تأثیر مسائل جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و ژئوپولیتیکی در سده های گذشته به مرور در این منطقه رایج و زبان بومی آن را حذف کرده است. امروزه به جز برخی مناطق پراکنده، اندکی اشارات در منابع کهن و برخی واژگان از آن چیزی باقی نمانده است. اینجاست که نامهای کهن موجود در منابع که هنوز برخی از آنها در منطقه باقی مانده است می تواند در روشن کردن و بازسازی جغرافیای تاریخی منطقه مورد استفاده قرار گیرد. البته برای هر چه بیشتر شفاف کردن جغرافیای تاریخی آذربایجان مطالعات گسترده در این زمینه و در مورد زبان آذری امری حیاتی است. زیرا که امروزه گروههایی در پی القای تاریخی غیر ایرانی برای این منطقه بوده و به صورت بسیار ظریف به دنبال دامن زدن به برخی اختلافات ساختگی میان مردم این بخش از کشور با سایر بخشها می باشند.

منابع

- ابن بزاز، درویش توکل بن اسماعیل، صفوه الصفا، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات تابش، ۱۳۷۳.
- اتابکی، تورج، آذربایجان در ایران معاصر، ترجمه محمد کریم اشراق، تهران، توس، ۱۳۷۶.
- اصفهانی، محمد طاهر، صریح الملک، نسخه خطی دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۱۶۵۵.
- باسورث، تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (سال ۶۱۴-۳۹۰ه/ق)؛ برگرفته از تاریخ ایران کمبریج، جلد پنج، گردآورنده جی.آ.بویل، مترجم حسن انوشه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹.
- بیک محمدی، حسن، مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۷.
- تری ج. جردن/ لستر راونتزی، مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، مترجمان: سیمین تولایی/ محمد سلیمانی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۰.
- شبلینگ، ژاک، جغرافیا چیست، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق، ۱۳۷۷.
- عبدی بیگ، زین العابدین، صریح الملک، نسخه خطی، کتابخانه ملی تهران، شماره ۲۷۳۴/ف.
- حافظ نیا، محمد ضا، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- فرید، یدالله؛ سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی؛ تبریز؛ انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۴.
- لطفی، مریم، کارکرد سیاسی، اجتماعی و مذهبی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در عصر صفویان، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۵.
- منشی، اسکندر بیگ، عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۷.
- مستوفی، حمدالله، نزه القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.